

بیان موضوع

اندیشمندان فلسفه اخلاق معتقدند: علم شرط لازم و ایجابی رفتارهای اخلاقی انسان است (مصباح، ۱۳۸۴، ج ۱-۳، ص ۳۳). قرآن کریم می‌فرماید: انسان نسبت به رویدادهای نفس خود آگاهی دارد. «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ» (قیامت: ۱۴). در نگاه اخلاق اسلامی، رفتاری اخلاقی محسوب می‌شود که اختیار، امکان، یا قدرت لازم بر انجام آن وجود داشته باشد. همین‌طور آیات قرآن و روایات بدنه اصلی رفتارهای اصلی انسان را نیت و عمل قلمداد کرده است (عصر: ۲۱).

اولیای الهی و عرفا معتقدند: انسان نه تنها نمی‌بایست به گناه پردازد، بلکه حتی اجازه تخیل گناه به خود راه ندهد؛ زیرا تخیل گناه فرصت‌سوزی و عدم پیشرفت نفس نسبت به کمالات و رشد اخلاقی و معنوی است.

روانشناسی معتقد است، انگیزه اساس رفتارهای انسان را شکل می‌دهد و حتی جهت و چگونگی آنها را نیز تعیین می‌کند. اما اینها به‌عنوان عوامل یا شاکله‌های رفتار انسان، بخصوص در بعد اخلاقی هستند، ولی علاوه بر اینها خاستگاه‌ها و زمینه‌های وجودی رفتار در انسان مسائلی مهم، بنیادین و قابل توجه‌اند؛ زیرا با شناخت آنها می‌توان به اصلاح و جهت‌دهی رفتارهای اخلاقی پرداخت. برخی خاستگاه رفتار را نیاز می‌دانند که خود شامل نیازهای مادی، سائق‌های روانی، نیازهای درونی و معنوی ... است. برخی امور فطرتی و سرشتی را محرک وجودی رفتار دانسته‌اند (رفیع‌پور، ۱۳۸۷، ص ۳۰). برخی دیگر، مواردی چون عقل، موقعیت و ... را بر شمرده‌اند. به هر حال، می‌بینیم شکل‌گیری رفتار انسانی از خاستگاهی آغاز می‌شود. در این میان، مراحل و فرایندی را طی می‌کند تا به عمل‌ظاهری می‌انجامد. پس از آن آثار وضعی، جسمی و روانی (روحی) نیز به‌وجود می‌آورد که اینها خود نیز به‌گونه مؤثر موجب ایجاد، تشدید، تکرار و ... رفتارهای بعدی می‌شوند.

در جست‌وجوی رفتارهای انسان و بنیادهای درونی آن، هر نوع رفتار آدمی اعم از کوچک، بزرگ، ظاهری، آشکار و یا رفتارهای درونی و پنهان، از هر کسی و در هر جا، تابع قانون تأثیر و تأثیر فردی و محیطی، ظاهری و باطنی هستند. اینجاست که اهمیت رفتارشناسی اخلاقی و حساسیت قرآن کریم نسبت به آن روشن می‌گردد. برای مثال، قرآن، نگاه به نامحرم را منع کرده، می‌فرماید: ما حتی در این صورت قصد شما را در نگاهتان رصد می‌کنیم (غافر: ۱۹). می‌فرماید: ما در رفتارهای شما، به آنچه در درونتان مخفی است، می‌نگریم (غافر: ۱۹) و فردای قیامت تمام این اسرار، پشت صحنه رفتارهای شما و آثاری که در پی داشته و چرایی آن، به میزان کشیده می‌شود!!

همه اینها نشان می‌دهند که رفتارهای آدمی عواملی کلیدی و تعبیه‌شده دارد که برای شناسایی و

عوامل و مراحل تکون رفتار اخلاقی در اسلام

غلامرضا غیائی*

چکیده

در اسلام رفتاری اخلاقی محسوب می‌شود که براساس امکان، اختیار و آگاهی لازم صورت گرفته باشد. این نوع رفتار ممکن است به مرحله ظاهری جسمانی رسیده و یا امری درونی مانند حسد و ریا باشد. مراحل تکون رفتار اخلاقی از نفس و براساس نیازهای غریزی مادی-معنوی روحانی و متأثر از عوامل درونی، بیرونی و محیطی صورت می‌گیرد. فرایند و مراحل رفتار از نیاز شروع شده، پس از طی مراحل ادراکی (علم)، تخیل، قصد و انگیزه، ایمان و اراده به مرحله ظاهری می‌رسد. در این میان، عوامل و فرایندهای متعدد و متنوعی نیز مطرح می‌شوند که در جای خود قابل بحث و بررسی هستند. فیلسوفان مسلمان، مبدا اصلی رفتار انسان را در نفس و با استفاده از قوای آن جست‌وجو می‌کنند. روان‌شناسان، انگیزه و نیاز را عامل اصلی بروز و شکل‌گیری رفتار می‌دانند. اخلاقیون مسلمان، حوزه نفس و عوامل اخلاقی ارزشی را چون گرایش‌های فطری معنوی و ... را مطرح می‌کنند. تاکنون در میان آثار علمی و عملی اخلاق اسلامی، به طراحی نظام‌وار و جامع مراحل تکون رفتار اخلاقی توجه چندانی صورت نگرفته است. این پژوهش زمینه‌ای برای طرح این موضوع است.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، علم، عمل، رفتار، سیستم.

هدایت رفتار، بدون رصد و کنترل آنها نمی‌توان کاری از پیش برد. مثلاً، تا انسان انگیزه‌های قصدها را اصلاح نکند، نمی‌تواند رفتارهای ظاهری سالم و مطمئنی داشته باشد. اینجاست قرآن در همه‌جا، رمز سعادت را در دو حوزه ایمان و عمل صالح توأم‌اً نشان داده است.

ضرورت و اهداف

در مطالعات و تحقیقات حوزه اخلاق اسلامی، کمتر به روش‌ها و رویکردهای علمی و عملی پرداخته شده است. هرچند تمامی مفاهیم و محتوی اخلاق اسلامی، مبانی علمی داشته و جنبه کاربردی و متناسب با خلقت، نیازها و شرایط زندگی انسان هستند. اما به دلایل زیر، تجزیه و تحلیل رفتارها و واکاوی روابط، اجزا و عوامل مؤثر بر آنها ضروری به نظر می‌رسند:

۱. رفتارهای اخلاقی انسان فقط همان اعمال ظاهری قابل مشاهده نیستند، بلکه اجزا و پیشینه‌های نیز دارند که آنها در ساختمان وجودی عمل تأثیر گذارند.
۲. اهمیت رفتارهای اخلاقی به منشأ درونی آنهاست. به عبارت دیگر، این عوامل درونی انسان است که نوع، چگونگی و شکل عمل او را ترسیم می‌کند.
۳. هدایت انسان‌ها مبتنی بر اصلاح فرایند و عوامل رفتاری اوست، تنها عوامل فکری و علمی برای اصلاح و سلامت اخلاقی آنها کافی نیست.
۴. پیش‌گیری از رفتارهای ضدارزشی و مغایر با تعالیم اسلامی، نیازمند اصلاح و جلوگیری از عوامل و مراحل اولیه شکل‌گیری آنهاست؛ زیرا رفتارها پس از طی مراحل درونی، کمتر اتفاق می‌افتد که منجر به عمل ظاهری نگردند. جلوگیری از عمل ظاهری نیز نمی‌تواند در حذف و کاهش عوامل درونی ایجادکننده رفتار چندان مؤثر افتد.
۵. تأثیر رفتارهای اخلاقی بر انسان و محیط است. این تأثیر هم اثر فیزیولوژیکی و هم روانی دارد. همچنین رفتارهای اخلاقی صادره از محیط بر افراد تأثیرگذار است. باید هم رفتارهای اخلاقی فردی و شخصی و غیرمتمظاهر در اجتماع و هم رفتارهای اجتماعی را به اصلاح و سالم‌سازی فراخواند تا نه تنها فرد در رفتار اخلاقی و مثبت عمل کند، بلکه جامعه در نقش اجتماعی افراد نیز چنین باشند.
۶. تاکنون آنچه به‌عنوان قوانین و قواعد حاکم بر رفتارهای بشری صورت گرفته، از سوی اندیشمندان غیرمسلمان و بعضاً ملحد بوده است. دیدگاه‌های آنها سال‌هاست که پس از نهضت پوزوسیسم، مبنای قضاوت‌ها و قوانین اخلاقی حاکم بر بشریت و محتوای علم و دانش دانشگاه‌ها شده است. اینجاست که تبیین رفتار اخلاقی از نگاه دین و اندیشه اسلامی ضروری می‌نماید. از بهره‌برداری

ناصحیح برخی اندیشه‌ها و کاربست‌های آنها در زندگی فردی و اجتماعی بشری، تا حدود امکان جلوگیری و روش و دیدگاه‌های فطری و طبیعی مطابق نگاه اسلام را ارائه نمود.

۷. از آنجایی که قوانین حاکم بر رفتار انسان‌ها منشأ فطری و طبیعی دارد، می‌باید متناسب با همان قوانین، دستورالعمل‌ها و راه‌های هدایت و سلامت اخلاقی آنها را معرفی کرد. این خود، تنها در دین حنیف و برگرفته از وحی الهی و اندیشه‌های ناب اسلامی ممکن است.

مفاهیم و واژگان

علم

«علم» در لغت، به‌معنای وضع یا کیفیت دانستن و دانایی در برابر نادانی یا آگاهی نادرست است. در اصطلاح دانشمندان، «علم» به هر دانسته و شناختی اطلاق نمی‌شود، بلکه در اینجا علم به‌معنای معرفت دقیق و شناختی تیزبینانه است (راغب اصفهانی، ۱۹۹۸، ص ۳۵۱). علم به معنای کلی، به هر ادراک یا دریافتی می‌شود که از طرق مختلف و ممکن برای انسان حاصل شود و در مقابل جهل یا ندانستن و عدم آگاهی قرار داد. هرچند در بیان اینکه این دریافت دقیق و واقع است یا خیر، می‌بایست در مفهوم‌شناسی علم به آن پرداخت.

عمل

هر فعلی را که حیوان از روی قصد انجام می‌دهد، «عمل» نامیده می‌شود. مفهوم عمل از فعل خاص‌تر و محدودتر است؛ چراکه گاه «فعل» درباره اشیا جامد نیز به‌کار می‌رود (شروتی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۸۳). «عمل» به کاری اطلاق می‌شود که از روی عقل و فکر انجام شود. پس لاجرم با عمل آگاهی همراه است (صدری افشار، ۱۳۸۳، ذیل علم). در واقع؛ عمل رفتاری است که از انسان صادر می‌شود و براساس قصد و هدف و مبتنی بر علم و آگاهی مرتبط با آن رفتار است.

سیستم

«سیستم»، یعنی در کنار هم قرار گرفتن مواد به‌گونه‌ای که دارای روابط متقابل منظم بوده و یا از طریق همبستگی درونی با هم پیوند دارند و یک کل سازمان‌یافته یا ارگانیک را به‌وجود می‌آورند (بتنی، ۱۳۷۲، ص ۳).

رفتار

به‌معنای عام، به هرگونه فعالیت موجود زنده اطلاق می‌شود. مدلول کلمه «رفتار» برای روان‌شناسان، اعمال و فعالیت‌های را شامل می‌شود که:

الف. عمل، موجبات، باعث‌ها، و به‌طور کلی، محرک‌ها و انگیزه‌هایی که آنها را به‌وجود می‌آورند؛
ب. نشانگر نیازها، هیجان‌ها، افکار، عواطف و شناخت‌های فرد هستند؛
ج. آغاز و انجام تقریباً مشخصی دارند؛

د. از وحدت سیستمیک برخوردارند؛ یعنی هر رفتار معلول روابط پویایی (دینامیک) است که از تعامل انسان به‌وسیله امیال، نیازها، خواسته‌ها، گرایش‌هایش، با امکانات محیطی ناشی و صادر می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۸، ص ۱۰).

نظریه‌هایی که رفتار را تفسیر و تبیین می‌کنند، به عوامل زیر توجه دارند:

۱. منشأ یا مبدأ؛ ۲. ساختار؛ ۳. عملکرد یا واکنش؛ ۴. مقصد، هدف یا پیامد؛ ۵. آثار رفتار در خارج (همان، ص ۱۳).

قانونمندی و معلول بودن رفتار انسان، بهترین گواه تغییرپذیری رفتار اوست. پس بدون شناخت قانون‌های حاکم بر رفتار آدمی، تغییر آن غیرممکن خواهد بود. به یقین می‌توان گفت: هرگونه رفتار یا فعالیت انسان معلول است؛ یعنی عاملی (یا عواملی)، خواه درونی و خواه بیرونی، موجب آن فعالیت (رفتار) می‌شود. شدت و ضعف یا میزان و درجه آن فعالیت، به نیروی آن عامل (یا عوامل) بستگی دارد (همان، ص ۱۵).

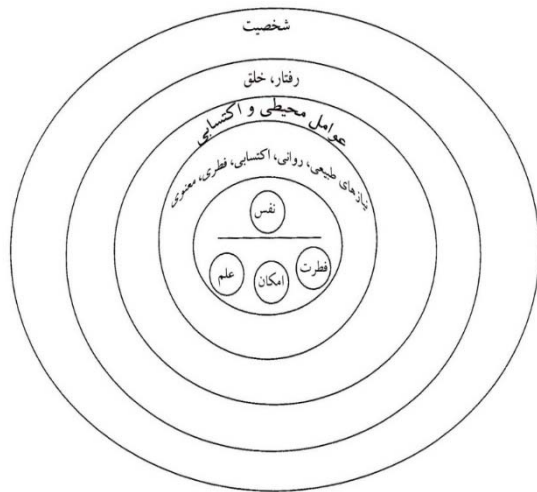
اخلاق

عبارت است از اینکه نفس انسان دارای صفاتی می‌گردد که به‌صورت ملکه درمی‌آید، به‌طوری‌که افعال همگون با صفات نفس به آسانی و بدون فکر و محاسبه صادر می‌شود. اخلاق آن هیأت و ملکه‌ای است که برای نفس حاصل شده است (فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ص ۹۵). در اینجا حوزه اخلاق را شامل رفتارهای صادره از انسان می‌دانیم که براساس امکان، آگاهی و اختیار صادر شده‌اند و براساس دیدگاه اسلام می‌توانند در قلمرو رفتارهای درونی همچون نیت و بیرونی همچون اعمال ظاهری باشد، که با تکرار مداومت بر آنها، تبدیل به خلق و یا رفتار پایدار در فرد می‌شوند و شخصیت وی را شکل می‌دهند.

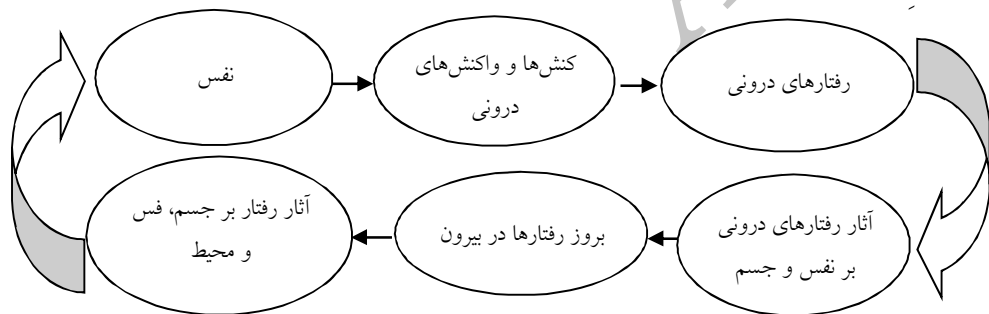
ضرورت نگرش سیستمی به رفتار انسان

نگرش سیستمی، نگرشی کلی‌نگر به اجزای بهم‌پیوسته است که در یک مجموعه و تعامل با همدیگر موجبات فرآوری و تولید را در پی دارند (بتی، ۱۳۷۲، ص ۳). نگرش سیستمی از جهت توجه به روابط و تعامل اجزاء، می‌تواند به‌خوبی برای شناسایی و نتیجه‌گرایی در رفتار انسان‌ها مورد بهره‌برداری واقع شود. چنانچه نگاه ما به رفتار اخلاقی، نگاهی به مجموعه عوامل، اجزاء، روابط و فرایند آنها باشد، بهتر و کامل‌تر می‌توان به علل، عوامل، پیامدها، راه‌ها و روش‌های دستیابی یا اصلاح و هدایت رفتارها پرداخت.

مدل سیستم رفتاری اخلاقی انسان می‌تواند به این صورت باشد:



وقتی رفتار آدمی در نگاه کلی و سیستمی مورد مذاقه قرار گیرد، امکان عیب‌یابی، راه‌های تقویت و یا اصلاح روشن‌تر است و تنها در مراحل می‌تواند به‌معالجه رفتار پرداخت که رفتار در آن موقعیت دچار اختلال یا بیماری شده است. این موضوع می‌تواند، چون علم پزشکی قلمداد شود. بر این اساس، عضوی که بیماری آن از طریق نشانه‌ها و علائم در کالبد بدن‌شناسایی شده و میزان بیماری آن سنجیده می‌شود، چنانچه آن عضو با داروهای رایج خوراکی و قابل درمان باشد، اقدام می‌شود. گاهی ممکن است نیاز به جراحی باشد و مواردی پیش می‌آید عوامل درونی، که درمان از طریق ابزارها و روش‌های موجود ممکن نیست، چون سرطان‌ها. قرآن کریم بیماری‌های اخلاقی انسان را در نگاه سیستمی و در مصداق‌های شخصی مورد اشاره، برشمرده است. بیماری‌هایی چون حسد، ریا، کفر، شرک، جهل و مواردی اشاره به بیماری‌هایی دارد که درمان‌ناپذیرند، همچون «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ...» (بقره: ۷۴).



قلمرو رفتارهای اخلاقی

یکی از مباحثی که نیاز به توجه جدی در مبحث تکون رفتار اخلاقی دارد، شناسایی نوع، تقسیمات و حدود رفتارهای اخلاقی انسان است. انسان همواره در حرکت و رفتار است. حیات او یعنی تکرار، تولید و... رفتارها. در این صورت، می‌باید با استفاده از منابع دینی و حیانی، به قلمرو رفتارهای انسان پی برد. قرآن برخی رفتارها را درونی می‌داند. مانند حسد که عملی ظاهری نیست. برخی رفتارها را نیز درونی و بیرونی می‌داند. مانند نماز، روزه، راستگویی و... که علاوه بر اجزاء و ابعاد درونی، چون ایمان، نگرش و... ابعادی ظاهری و بیرونی در قالب اعمال و مناسک دارند. روایات نیز به صورت گسترده تری به این موضوع پرداخته‌اند. آن‌گاه که مجموعه این مطالب را به هم ارتباط داده و در قالب ساختارهای رفتاری انسان در آوریم، به طور کلی قلمرو رفتارهای اخلاقی انسان را در دو طیف، الف. رفتارهای درونی؛ ب. رفتارهای بیرونی خواهیم دید.

رفتارهای درونی مانند نیت، تخیل مثبت یا منفی، قصد و اراده یا عزم، حسادت، ریا، نفاق و... و رفتارهای با نمود بیرونی مانند عبادات، مناسک، گفتارها، شنیدارها چون سخن نیک یا غیبت، عمل صالح و... رفتارهای اخلاقی در تقسیمات کلی عبارتند از:

۱. رفتارهای پنداری - درونی.
۲. رفتارهای گفتاری.
۳. رفتارهای کرداری - عملی.

نفس و مبادی رفتار انسان

آنچه بدیهی به نظر می‌رسد و مورد توافق فلاسفه، اخلاقیون و روان‌شناسان است اینکه هر رفتاری از انسان سرمی‌زند منشأ و مبدئی دارد که می‌توان آن را مرحله آغاز رفتار نامید. پیچیدگی و تنوع عوامل مسائل درونی و بیرونی مؤثر بر شکل‌گیری رفتار آدمی چنان است که تحقیقات به عمل آمده تاکنون به طور روشن و کامل نتوانسته‌اند این مقوله را تبیین و تشریح کنند. بر این اساس، اختلاف نظرها و رویکردهای فکری متنوع به موضوع، حکایت از این امر دارد. ارسطو و افلاطون با طرح مباحث علم‌النفس و ابن‌سینا و ملاصدرا و روان‌شناسانی چون مازلو - هیلگارد به دلیل اهمیت به این موضوع پرداخته‌اند.

آنچه به اجمال می‌توان براساس توافق آراء و اندیشه‌ها تشریح کرد، این است که دانش فلسفه مبدأ رفتار انسان را «نفس» می‌داند که از طریق قوای خود کاری را انجام می‌دهد. علم اخلاق، «صفات» را که بر اثر تکرار رفتارها به عنوان ملکات نفسانی و عادت‌های رفتاری درآمده‌اند عامل پیدایش رفتار و روان‌شناسی، «انگیزه» و «انگیزش» را عامل اصلی و محرک ایجاد رفتارهای انسان دانسته است.

می‌توان اذعان کرد هر رفتاری که از انسان سرمی‌زند، براساس مقدمات و عملی است که تحت عنوان «مبادی رفتار» یاد می‌شوند. فلاسفه مبدأ فاعلی رفتارها را نفس دانسته و در مباحث علم‌النفس به رابطه قوای آن با رفتار پرداخته‌اند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۲، ص ۲۳۴-۲۳۵). علامه طباطبائی در بحث «کیفیات نفس» و مبادی رفتار می‌فرماید: «نفس انسانی، که یک صورت جوهری است، ذاتاً مجرد از ماده است، اما در مقام فعل، متعلق به ماده می‌باشد. علت فاعلی افعال است که از انسان صادر می‌شود» (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷).

بر این اساس، نفس یک مبدأ فاعلی است که با شناخت و آگاهی (علم) کاری را انجام می‌دهد و از طریق قوایی چون، متخلیه، وهمیه و... صورت می‌گیرد و اموری از آن صادر می‌گردد که برای خود کمال می‌داند. در واقع، نفس انسان قبل از هر رفتاری، آن را تصور کرده و کمال خود را در آن می‌یابد، سپس مورد تصدیق قرار می‌دهد. چنانچه فایده و (کمال) در آن بیابد، به سوی آن شوق یافته و با اراده به سوی تحقق آن می‌رود (شیروانی، ۱۳۷۰، ص ۴). علم و شناخت آدمی نیز بدون تمایلات و گرایش‌های طبیعی، غریزی و فطری، که در حوزه نفس عمل می‌کند، منتهی به اراده و عمل نمی‌شود. افلاطیون، مبادی رفتار را خلق و خوی‌های افراد دانسته که به صورت اختیار و آگاهانه به تدریج شکل گرفته و نشانی برای بروز رفتارهای بعدی و شکل‌گیری شخصیت انسان داشته‌اند. روان‌شناسان، با طرح مسئله انگیزش (تحریک و ترغیب) به عنوان میل و رغبتی که فرد برای رسیدن به هدفی دارد، به عنوان علل شکل‌گیری رفتارها بررسی کرده‌اند (عثمان، ۱۳۶۷، ص ۳۸). عوامل ایجاد انگیزش را مبتنی بر غرایز (سوانق روانی) یا انگیزه دانسته‌اند.

نفس انسان و ابعاد آن

نفس دارای ابعادی چندگانه است:

۱. بعد شناختی، از مقوله علم و ادراک؛ ۲. بعد امکان و توانایی‌ها، چون نیروی اراده؛ ۳. بعد حب و تعلق، چون حب ذات، حب بقاء، حب کمال (مصباح، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷).
- ابعاد نفس با هم پیوندی فعال و درونی دارند و از عوامل محیطی چون تجارب، خواست اجتماعی و فرهنگ و تربیت مایه گرفته و تأثیر می‌پذیرند و خود آنها نیز بر محیط به عنوان عامل فعال، مؤثر واقع می‌شوند. در کنار این ابعاد، نفس دارای ساحت‌ها و عوامل تابعی زیر است:
۱. غرایز؛ تمایلاتی که تأمین‌کننده نیازهای مادی و جسمانی انسان هستند. مانند، غریزه گرسنگی و تغذیه - جنسی و شهوت.

عوامل درونی در جنبه فیزیولوژیک یا روانی (معنوی) احساس می‌کند و تا رسیدن به پاسخ، دست به فعالیت‌ها و انتخاب لوازمی چون علم، تخیل، اراده و... می‌زند. در علوم رفتاری چون روان‌شناسی، انگیزش و علوم اخلاقی رفتارگرا به این مباحث به صورت تفصیلی پرداخته شده است.

رابطه علم و عمل

تبیین رابطه علم و عمل، با لحاظ جایگاه و نقش اختیار و اراده انسان مشکل به نظر می‌رسد. با توجه به مباحث پیشین، آنچه یقینی به نظر می‌رسد، وجود رابطه علم و علم است؛ زیرا هیچ عملی محقق نمی‌گردد، مگر آنکه از فرایند علم به عنوان شرط لازم تحقق عمل عبور می‌کند. در این میان، عواملی چون، امیال، اغراض و مقاصد، نگرش و عقیده، ایمان و باور و تجارب قبلی انسان جایگاه ویژه و مؤثری خواهند داشت. اما مسئله اینجاست که آیا هرچه مقتضای علم بود، همان به عمل می‌انجامد، یا ممکن است فردی برخلاف علم خویش به عملی مبادرت ورزد؟ به هر حال می‌توان اذعان داشت که حتی در صورتی که فرد برخلاف علم و مقتضای آن عمل کند، آن عمل نیز بدون علم نیست؛ زیرا برای پرداختن به عمل، برخلاف علم روشنگر باز علمی در کار بوده است و عمل براساس آن انجام شده است. اینجا/ارسطو می‌فرماید: اگر برخلاف علم از آنان علمی صادر گردد، آن علم یا کامل نبوده (یعنی در حد پندار بوده است) یا عومل دیگری چون انتخاب امیال نفسانی و... به میدان آمده و فرد را برخلاف مقتضای علم واداشته‌اند (ارسطو، ۱۳۷۸، ص ۲۵۴).

به هر حال، هیچ عمل اخلاقی بدون آگاهی و قصد فردی انجام نمی‌گیرد، حتی این فرد از تحصیلات و آموزش لازم برخوردار نباشد، ولی آنچه انجام می‌دهد، می‌داند پاسخ‌گویی نیاز اوست و برای چه آن را انجام داده و چگونه می‌بایست انجام دهد. مانند دزدی که برای رفع مشکل نداری، یا کم داری خود، دست به دزدی زده و برای آن برنامه‌ریزی لازم براساس اطلاعات محیطی از محل دزدی و تجارب و توانایی‌های جسمانی و قبلی خود انجام می‌دهد، هرچند برخوردار از هیچ میزان سواد کلاسیک نیست، بلکه برای تشخیص، راه‌حل و... آگاهانه و براساس علم و تجربه عمل می‌کند.

در منابع دینی به اشارات درخور توجهی برخورد می‌کنیم:

۱. قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا» (اسراء: ۸۴)؛ «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ» (قیامت: ۱۴).

۲. روایات بسیاری نیز در این معنا آمده‌اند:

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «دانش، منشأ هرگونه خیری است» (محمدری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۹، ح ۲۹).

۲. زیبایی؛ شامل علاقه به هر نوع جمال و زیبایی طبیعی، حیوانی، انسانی و معنوی.

۳. احساسات و عواطف؛ انسان با احساسات و عواطف رویکردهای شادی و غم در رفتار به وجود می‌آورد.

به هر حال، نفس و قوای آن به عنوان منشأ ایجاد و تکون مراحل رفتار انسان از آغاز تا انجام، دخالت دارند و فرایندی را ایجاد می‌کنند که فرد در درون به سوی رفتارهایی می‌رود که در گذر ادراکات (شناخت‌ها) و اهداف (مقاصد) و انگیزه‌ها (نیت‌ها) و براساس انتخاب و سپس اراده عمل به تحقق آنها می‌پردازد.

کارکرد نفس انسان را می‌توان در سه نظام رفتاری مورد بررسی قرار داد (امیری، ۱۳۸۶).

۱. نظام درونی؛ شامل مجموعه رفتارهایی که به تغییر و جهت‌دهی در تمایلات، باورها می‌انجامد.

۲. نظام عقلی ادراکی؛ شامل مجموعه فعالیت‌های که به تغییر و جهت‌دهی به افکار، مفاهیم و سیستم فکری انسان منتهی می‌شوند.

۳. نظام فیزیکی، شامل مجموعه رفتارهای عملی فیزیکی که ظهور و کمال مراحل درونی و عقلی هستند.

فرایند علم تا عمل

مبادی علم، خود به نوعی عمل و رفتار انسانی است که فرد در واقع به عمل و رفتار خود است که به ادراک، تخیل، ایمان و اراده می‌رسد. تا فرد مبادرت به اقدامات درونی و فعالیت‌های خاص نورزد، به ادراک یا ایمان نمی‌رسد. در واقع، مقوله‌ای چون ایمان، که تلفیقی از علم و باور درونی انسان است، فرایندی انتخاب و اختیار شده است که براساس فعالیت‌های نفسانی و عقلانی تکون یافته است. بر این اساس، دیدگاه وحدت علم و عمل و یا ایمان و عمل و تلازم بین آنها، از نگاه اندیشمندانی چون افلاطون و علامه طباطبائی به ذهن متبادر می‌شود.

عمل انسانی محدود به فعالیت‌هایی جسمانی و ظاهری نیست. برخی فعالیت‌های انسان در قرآن و روایات به عنوان عمل صالح یا سیئه قلمداد شده‌اند. مانند گمان سوء، حسد، قصد، نیک و... به عبارت دیگر، تکون عمل از درون شکل گرفته و در مواردی، فرایند آن به بیرون یعنی جنبه جسمانی و ظاهری ادامه می‌یابد. خاستگاه اصلی عمل انسان و تعیین قصد و هدف، همچنین روش انجام آن در درون انسان، براساس تلفیق علم، امیال، تخیل، نیاز، قصد و اراده و... صورت می‌گیرد و عمل ظاهری تابع و کمال این فرایند درونی است.

فرایند عمل، از عوامل و قوای نفسانی چون نیاز آغاز می‌گردد و از پروسه علم و... عبور کرده، به عمل درونی و سپس ظاهری می‌انجامد. در واقع، عمل همان پاسخ به نیازی است که فردی براساس

امام علی علیه السلام می فرماید: «دانش، زندگی و درمان است» (همان، ص ۴۷، ح ۵۳). همچنین می فرمایند: «دانش و ایمان برادران همزادند و دو رفیقاند که از هم جدا نمی شوند» (همان، ص ۹۳، ح ۲۰۹). در جایی دیگر می فرماید: «غایت دانش، عملی نیکوست» (همان، ص ۱۰۳، ح ۲۴۷) و یا «ثمره دانش پرستش است» (همان، ص ۱۰۱، ح ۱). همچنین امام صادق علیه السلام «دانش با عمل همراه است. پس هر که دانست عمل کرد و هر که عمل کرده، دانست و دانش، به عمل فرا خواند، پس اگر او را اجابت کرد، چه بهتر و گرنه از او جدا و دور می شود» (کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۴، ح ۲).

انگیزه، نیت و رفتار

در تبیین مفهوم «انگیزه» گفته شده است: انگیزه‌ها عبارتند از: «چراهای» رفتار. انگیزه‌ها موجب شکل‌گیری و ادامه فعالیت شده، جهت کلی رفتار فرد را نیز مشخص می‌کنند. از انگیزه‌ها، گاه به نیازها، خواست‌ها، کشش‌ها، سائقه‌ها یا محرک‌های درونی فرد نیز تعبیر می‌شود (بخشی، ۱۳۸۰). انگیزه عامل رفتاری انسان برای رسیدن به هدفی مشخص و در نگاه روان‌شناسان، انگیزه به آمادگی یا گرایش درونی بالقوه برای پاسخ دادن، به موقعیت یا محرک خاص بیرونی، از بین موقعیت‌ها و محرک‌های مختلف موجود تعریف شده است (شاملو، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳).

انگیزه‌های انسان به دو دسته اساسی تقسیم شده‌اند:

الف. مبتنی بر نیازهای اصلی شامل؛ انگیزه‌هایی که در جهت ارضاء نیازهای فیزیولوژیک هستند و انگیزه‌هایی که در جهت ارضاء نیازهای جنسی هستند.

ب. مبتنی بر نیازهای معنوی شامل؛ نیازهای روحی معنوی مانند، عدالت‌خواهی، نیکی، زیبایی، خداجویی، کمال‌گرایی و... برخی، انگیزه را مترادف «نیاز» گرفته‌اند و برخی آن را «فرایندهای روان‌شناختی دانسته که علت برانگیختگی، هدایت و تداوم اعمال ارادی هدفمند هستند»، دانسته‌اند (همان).

نیت و قصد نیز در نگاه غزالی، همان انگیزه است و می‌گوید: «نیت و قصد، انگیزه است که انسان را به کاری وامی‌دارد و... انگیزه آن است که موجب می‌شود انسان به کاری اقدام کند» (داودی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰).

امام صادق علیه السلام می فرماید: «نیت را برتر از عمل دانسته و آن را خود عمل خوانده است و فرموده‌اند: آیه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ»، شاکله همان نیت است. تعاریف پیشین انگیزه را رویکرد رفتاری و جهت‌دهنده آن دانسته و با نیت در اصطلاح اخلاق اسلامی یکی دانسته‌اند (کلینی، بی تا، ج ۲، ح ۴).

«نیت» یکی از فرایندهای اساسی و مهم در تکون رفتار انسان است. رفتار پس از طی مراحل از نیاز و قوای نفسی، تبدیل به انگیزه می‌شود و در کنار آن، شوق و تمایل‌های تشدیدشده قرار می‌گیرند. فرد

رغبت و میل جدی برای تصمیم‌گیری و اراده عمل پیدا می‌کند. اینکه قرآن کریم و روایات بسیاری، به مقوله نیت اهمیت داده‌اند، براساس این است که حقیقت و جهت رفتاری انسان و محتوای واقعی آن، یک امر درونی است که در همان نیت و قصد آدمی است. رفتارهای عملی انسان، حاصل و تظاهر مراحل درونی و نفسانی او هستند. در این میان، نقش اساسی، متعلق به چند عامل است:

۱. علم، به‌عنوان عامل تمیزدهنده، روشن‌گر، ادراکی و...؛ ۲. قوا و امکانات نفس و جسم، که به‌صورت ابزاری، توانمندی و تمهیدی عمل می‌کنند؛ ۳. نیت و انگیزه، که با استفاده از علم و نفس و... طراحی، جهت‌دهی و محتوا و چگونگی رفتار را تعیین می‌کند. اینجاست که اهمیت آن در حوزه عملیاتی کاربردی و مهم است.

ایمان و عمل

از دیگر مراحل و عوامل اصلی شکل‌گیری رفتار اخلاقی، مقوله ایمان است. افراد به رفتاری مبادرت می‌ورزند که به باوری درونی نسبت به آثار و نتایج آن رسیده باشند. هرچا باور ایجاد نگردد، از آن رفتار رویگردان می‌شوند. این یک امر کلی است و ممکن است در جایی افراد به چیزی باور داشته باشند، ولی بدان مبادرت نوزند و یا عکس باور خود عمل کنند. این‌گونه مسائل را باید در مباحث مربوط به تراحمات و تناقضات انگیزه‌ها و عمل و ایمان و عمل بررسی کرد.

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت: هرچا فردی برخلاف باور خود عمل کند، نه چنین است که به آن عمل باور ندارد، بلکه او در انتخاب عمل حقیقتاً به باوری رسیده است. این امر در مقوله علم و عمل نیز چنین است؛ یعنی فرد به رفتاری می‌پردازد که در حوزه آن، به علم رسیده است. نمی‌توان بدون آگاهی عملی را انجام داد. ایمان، همان باور درونی یا قلبی انسان نسبت به موضوعی است. غالب لغت‌شناسان عرب آن را به‌معنای سکون، آرامش و ضدخوف و ترس گرفته‌اند و به‌عنوان تصدیق قلبی دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۳). اصولاً، ترس و اضطراب زمانی محقق می‌شود که فردی نسبت به مسئله یا موضوعی ابهام داشته و از آثار و کارکرد آن، آن‌گونه که می‌خواهد، مطمئن نباشد. یکی از کارکردهای علم این است که امور را بر انسان روشن می‌سازد و سبب می‌شود تا افراد به رفتاری بپردازند. ایمان نیز چنین اثری دارد؛ زیرا ایمان جایی محقق می‌شود که آدمی در آنجا به علم و آگاهی لازم نسبت به موضوع رسیده باشد. اما ایمان با قوت و قدرت بیشتری عمل می‌کند و از اهرم علم نیز قدرتمندتر است؛ زیرا از یک‌سو، مبتنی بر گرایش و تمایل درونی است و هرچا علم و احساس درهم آمیزند، آن باور و انگیزه لازم برای عمل به

وجود می‌آید. از این رو، ایمان در درون انسان هم ایجاد بینش می‌کند و هم انگیزه و شوق که دیگر قوا و عوامل نفسانی و درونی، چنین رویکرد چندگانه ندارند.

ایمان از یک سو، بر نفس و قوای آن مؤثر است و بر اساس شناخت (علم) در بروز رفتاری آگاهانه تأثیرگذار است. و از سوی دیگر، با ایجاد بینش نسبت به خود و مسائل پیرامون، زمینه‌ساز رفتارهایی متناسب با خود و هستی و خداوند جهان می‌شود. بر این اساس، قرآن کریم شرط اساسی و فلاح انسان را دایر مدار ایمان دانسته و ایمان را بر عمل مقدم دانسته است. از نگاه قرآن، ایمان باید به اصول حقیقی هستی، وحدانیت خداوند، خالقیت وی، عالم غیب باشد، در این صورت، یک نگرش و رویکرد توحیدی و مؤمنانه صورت گرفته است و تمامی رفتارها و سلوک انسان عابدانه و موحدانه می‌گردد.

اراده عمل

آنچه گذشت در حوزه درونی و نفس آدمی بود. زمانی انسان به رفتاری مبادرت می‌ورزد که اراده تکون آن را صادر نماید. به عبارت دیگر، هیچ رفتار اخلاقی از فرد صورت نمی‌گیرد، مگر اینکه قبلاً اراده به آن رفتار تعلق گرفته است. اصولاً اراده عمل، مرحله ظاهری کردن رفتار و برگرفتن سرپوش درونی از آن است. نکته اینجاست که اراده را نباید به عنوان عامل مستقلی دانست که صرفاً در مرحله خاص و قبل از تحقق ظاهری رفتار عمل می‌کند، بلکه اراده در طول رفتار جریان دارد. آنجاکه فرد به ادراکات خیالی یا وهمی می‌پردازد و یا به سوی تمایلات یا قوای درونی روی می‌برد، در آنجا نیز اراده او سبب شده است که این انتخاب‌ها و اختیارها را برگزیند و محقق سازد.

وقتی فردی در قوه خیال خود غوطه‌ور است، می‌تواند از آن برگردد و یا به آن دامن بزند. در واقع، اینکه به سوی این گونه تخیلات روی می‌آورد، به علت انتخاب‌ها و رفتارهای ظاهری و درونی قبلی است که زمینه و علت برای این جریان و رویکرد شده‌اند. اراده در اصل، قوه مرکب از میل شدید و نیاز و آرزو است و اسم قرار داده شده برای میل نفس به چیزی یا حکم در او به اینکه آن عمل شایسته است، انجام شود یا نشود. پس گاهی برای مبدأ فعل به معنای میل نفس به چیزی استعمال می‌شود، و گاهی برای منتهای فعل.

به هر حال، در هر مرحله‌ای، چه در حوزه درونی و چه بیرونی، اگر رفتاری محقق شود، قبل از آن اراده به رفتار پیشی گرفته است. در حقیقت، اراده خود نوعی عمل است که در افراد و کارها ممکن است متفاوت باشد. یکی اراده می‌کند در عالم خیال به سوی تصورات نیک و مفید برود و دیگری، اراده بر تخیلات منفی و مضر دارد. یکی اراده بر ادراک امور مفید و معنوی می‌کند، و دیگری اراده بر امور

مادی و شهوت دارد. اینجاست که اراده چون علم و ایمان به همراه و ملازم عمل‌اند؛ یعنی هر رفتاری که از انسان سر می‌زند، تابعی از علم، ایمان و اراده او نیز هست.

رفتار عملی

رفتار عملی یا ظهور فرایند آغاز شده در درون انسان، همان صورت فیزیکی و جسمانی عمل است؛ به این معنا که عمل پروسه است که از درون آغاز شده و مراحل تکوین خود را گذرانده است. در جایی ممکن است نمود ظاهری و عملیاتی بیابد. در نگاه اخلاق اسلامی، نیت عمل مهم‌تر و قابلیت ارزش‌گذاری بیشتر از عمل یدی است؛ زیرا نیت خود نوعی عمل است و مراحل سخت‌تر تحقق عمل است.

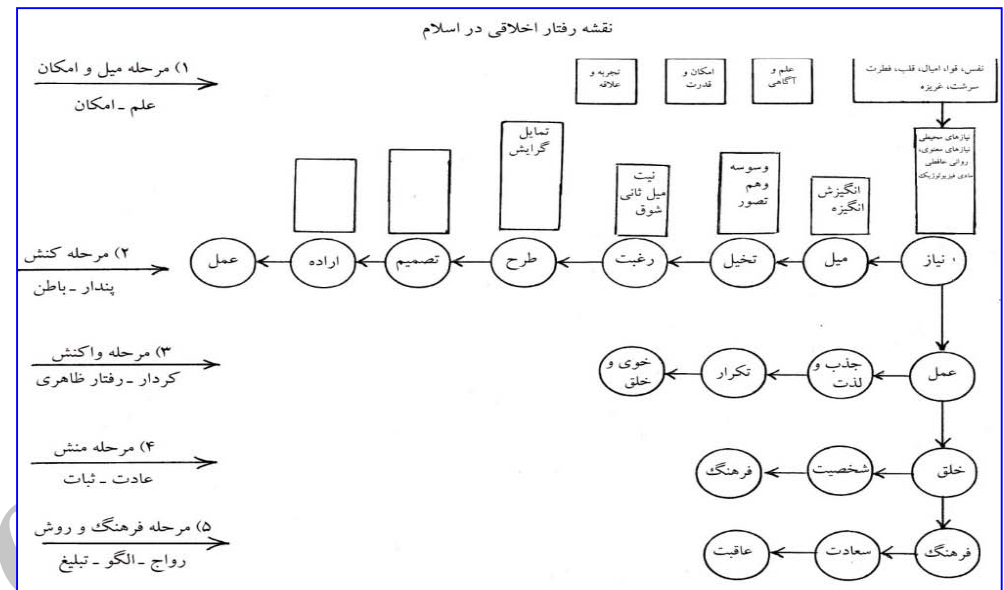
حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «النية اساس العمل» (کلینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۴ ح ۱).

بر این اساس، وزن نیت وزن عملی سنگین‌تری نسبت به وزن عمل ظاهری است. تقوای انسان و ایمان او اقتضا می‌کند که به چه نیت و انگیزه رسیده باشد. عمل ظاهری در زاویه و جهت همان نیت است، به عبارت دیگر، نیت ماهیت، شاکله، محتوا، چگونگی و جهت عمل را محقق ساخته است و رفتار ظاهری صورتی از نیت انسانی است. رفتار عملی، مرحله آخرین یک رفتار اخلاقی است و بخشی از آن است. اهمیت آن در این است که آن رفتار به کمال و مرحله تکوین آخرین خود رسیده است. در هر مرحله، رفتار تأثر و تأثیری بر درون و بیرون انسان و محیط ایجاد می‌شود که باید در جای خود مورد مذاقه قرار گیرد. هیچ رفتار انسانی یک سو و به صورت خطی محقق نمی‌شود، بلکه از فراز و فرودها و از تأثیر و تأثرات و ظواهر و باطن و فرد و محیط و پیشینه و تجربیات و عوامل بسیاری می‌گذرد و خود نیز موجب ایجاد و اثر در هزاران عامل می‌شود.

مدل فرایند رفتار اخلاقی

نظر به دیدگاه قرآن و روایات وارده از معصومین علیهم السلام و نگاه اندیشمندان علمای اخلاق، به طراحی مدل فرایند رفتار اخلاقی پرداخته‌ایم. در این مدل، غالب عوامل مؤثر اصلی و جانبی تعبیه شده‌اند و مسیر یک رفتار اخلاقی از آغاز تا انجام مشخص شده است. هرچند تفاوت دیدگاه و سلاقی و ابهامات بسیاری در امور و عوامل نفسانی و رفتاری انسان وجود دارد که نمی‌توان به طور دقیق و کامل به ارائه مدلی خود ساخته پرداخت، ولی از آنجاکه آیات وحی الهی و آموزه‌های معصومین علیهم السلام و اولیا وجود دارد، می‌توان مستند و متکی به آنها چنین مدلی را طراحی کرد. تجزیه و تحلیل اجزاء این مدل درخور یک رساله جامع و گسترده تحقیقاتی است که فرصت دیگر می‌طلبند.

نکات و نتایج



۴. تحقق فرایند رفتارهای اخلاقی چون عمدتاً در نفس و روح انسان تحقق می‌یابند، گذر زمان در آنها کمتر محسوس است؛ زیرا مثلاً مسئله‌ای به نام تخیل عمل قبل از آن به هر صورت که خیال شود، زمان چندانی نیاز ندارد و مانند انجام امور ظاهری و فیزیکی نیستند که زمان طولانی و محسوسی در پی دارند.

۵. به سادگی با استفاده از رفتارشناسی اخلاقی می‌توان رفتارهای اخلاقی را رصد و نقاط ضعف و انحراف را شناسایی و یا استانداردهایی برای آنها وضع کرد و یا در جهت اصلاح و هدایت آنها بهتر و دقیق‌تر اقدام نمود.

۶. برای تبیین قوانین طبیعی حاکم بر رفتارها، نیازمند وحی هستیم؛ زیرا این امور خارج از توان، شناسایی و ردیابی علم بشری است. خوشبختانه قرآن، احادیث و علوم اخلاقی و رفتاری به اندازه کافی و لازم به آنها پرداخته‌اند.

۷. برخورد جزئی، مقطعی، سلیقه و... در اصلاح رفتارها و جهت‌دهی آنها چندان مؤثر و مفید نمی‌افتد. از این‌رو، نگرش سیستمی و پیوسته به رفتارها و عوامل آنها حرکتی نو و مؤثر در ساخت ارزش‌های اخلاقی خواهد بود.

۸. برای کسانی که در حوزه اخلاقیات با مخاطبان خود سروکار دارند، لازم است با نگرش جامع و کاربردی به رفتارها نگاه کرده و براساس آن با مخاطب خود تعامل نمایند. مثلاً قرآن در عملکرد جاهلان، نقطه کور رفتار آنها در جهالت می‌داند. نه در برخورد های فیزیکی «إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان: ۶۳).

پیچیدگی نفس و تنوع موقعیت‌ها، نیازها، علایق، عوامل، روش‌ها، مصداق‌ها و... رفتار انسانی چنان گسترده و در بسیاری موارد ناپیداست که پرداختن به موضوع تکون رفتار راسخ‌تر می‌کند تا جایی که الکسیس کارل (۱۸۷۳-۱۹۴۵م) پس از تحقیقات گسترده پیرامون انسان، به یک تعریف و نتیجه می‌رسد. انسان موجودی است ناشناخته و تنها کسی می‌تواند او را بشناسد که خالق او باشد و... (الکسیس، ۱۳۸۵، ص ۱۱).

بر این اساس، کار کمی مشکل به نظر می‌رسد، ولی از آنجاکه قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام و اقدامات و تحقیقات علما و اندیشمندان علم اخلاق اسلامی، در طی قرن‌ها به وفور و پرتمر صورت گرفته است، می‌تواند منابع بسیار و متقنی در اختیار ما برای رسیدن به این هدف قرار دهند.

به‌طور خلاصه، می‌توان نتایج حاصله از این مقاله و در حدود مطالعات انجام‌شده، به موارد زیر اشاره کرد.

۱. بر رفتارهای اخلاقی انسان قوانین الهی و طبیعی (در ساختار و ماهیت آنها موجود و) حاکم است.
۲. منشأ اصلی، اثرگذار و کارآمد رفتاری انسان در درون او رقم می‌خورد.
۳. رفتارهای انسان مراحل و فرایند طبیعی و مشخصی دارند که نوعاً انسان‌ها و به‌صورت عمومی از آنها پیروی می‌کنند.

منابع

- نهیج البلاغه (۱۳۸۰)، ترجمه محمد دشتی چ سوم، قم، مؤسسه امیرالمؤمنین ع.
- ارسطو (۱۳۷۸)، *اخلاق نیکوماخوس*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو.
- اریک فروم (۱۳۸۳)، *هنر عشق و ورزیدن*، ترجمه پوری سلطانی، چ بیست و یکم، تهران، مروارید.
- امیری، علی نقی، «تیین رفتار مبتنی بر اختیار» (۱۳۸۶)، *فرهنگ مدیریت*، سال پنجم، ش ۱۵، ص ۱۷۶-۱۷۷.
- امین زاده، محمدرضا (۱۳۷۶)، *فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی*، قم، در راه حق.
- بخشی، علی اکبر، «مبانی انگیزش از نگاه اسلام» (بهمن ۱۳۸۰)، *معرفت*، ش ۵۰، ص ۵۶-۷۱.
- بستانی، محمود و محمود هوشم (۱۳۸۸)، *اسلام و روان‌شناسی*، چ چهارم، مشهد، آستان قدس رضوی.
- بیتی، اچ. بلا (۱۳۷۲)، *سیستم‌های آموزشی*، ترجمه انور صمدی‌راد، تهران، دانشگاه علامه.
- پالمر مایکل (۱۳۸۵)، *مسائل اخلاقی*، ترجمه آل بویه، قم، پژوهشگاه فرهنگ اسلامی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹)، *بهداشت روانی*، قم، پژوهشگاه حوزه دانشگاه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، *مبانی اخلاق در قرآن*، چ پنجم، قم، اسراء.
- جوادی، محسن، «بررسی شکاف بین نظر و عمل اخلاقی از دیدگاه ارسطو» (۱۳۸۸)، *اندیشه دینی دانشگاه شیراز*، ش ۳۲، ص ۲۸-۱.
- جیمز، ویلیام (۱۳۷۲)، *دین و روان*، ترجمه مهدی قائنی، چ دوم، تهران، شرکت سهامی.
- حسن زاده آملی، حسن (۱۳۶۲)، *دروس معرفت نفس*، تهران، علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۵)، *طب و طبیب و تشریح*، چ سوم، قم، نوید اسلام.
- _____ (۱۳۸۶)، *شرح اشارات ابن سینا*، چ سوم، قم، آیت اشراق.
- حسینی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۷)، *اصول بهداشت روانی*، چ ششم، مشهد، آستان قدس رضوی.
- حسینیان، حامد و سیدعلی حسنی، «حقیقت ایمان» (۱۳۸۹)، *معرفت کلامی*، سال اول، ش ۲، ص ۳۵-۶۲.
- داودی، محمد (۱۳۸۴)، *اخلاق اسلامی، مبانی و مفاهیم*، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۹۹۸)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.
- رزاقی، هادی (۱۳۸۷)، *نگرش و ایمان*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۷)، *آناطومی جامعه*، چ پنجم، تهران، سهامی انتشار.
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۷)، *روان‌شناسی پرورشی*، چ نوزدهم، تهران، آگاه.
- شاملو، سعید (۱۳۸۴)، *آسیب‌شناسی روانی*، چ هفتم، تهران، رشد.
- شجاعی، محمداصداق (۱۳۸۸)، *روان‌شناسی تنظیم رفتار*، قم، دارالحدیث.
- شرتونی (بی تا)، *اقراب الموارد فی فصیح العربیه والشوادر*، قم، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۸)، *نظریه‌های انگیزش در آموزش و پرورش*، تهران، نی.
- شمالی، محمدعلی، «پایه‌های اخلاق» (۱۳۸۶)، *معرفت فلسفی*، سال پنجم، ش ۱، ص ۲۱۹-۲۶۲.
- شیروانی، علی (۱۳۷۰)، *ترجمه و شرح نهایه الحکمه*، تهران، الزهراء.
- صدری افشار، غلامحسین و دیگران (۱۳۸۳)، *فرهنگ معاصر فارسی*، چ سوم، تهران، فرهنگ معاصر.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *المیزان*، چ پنجم، قم، دفتر نشر اسلامی.
- عبدالباقی، محمدفواد (۱۳۸۳)، *المعجم المفهرس قرآن کریم*، چ سوم، قم، نوید اسلام.
- عثمان، عبدالکریم (۱۳۶۷)، *روان‌شناسی غزالی*، ترجمه سیدمحمدباقر حاجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- غیاثی، غلامرضا (۱۳۸۲)، *تعلیم و تربیت در اسلام و حوزه‌های علمیه*، قم، بیان الحق.
- فعال، محمدتقی (۱۳۸۴)، *ایمان در اسلام و مسیحیت*، تهران، اندیشه جوان.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۸۷)، *محنة البیضاء*، چ سوم، مشهد، آستان قدس رضوی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (بی تا)، *اصول کافی*، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، اسلامیه.
- الکسیس، کارل (۱۳۸۵)، *انسان موجودی ناشناخته*، ترجمه پرویز دبیری، چ دوم، اصفهان، مهرافروز.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۰)، *سیمای علم و حکمت در قرآن و حدیث*، قم، دارالحدیث.
- _____ (۱۳۸۵)، *علم و حکمت در قرآن و حدیث*، چ سوم، قم، مؤسسه دارالحدیث.
- مصباح، مجتبی (۱۳۸۱)، *فلسفه اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۴)، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- نیلی فر، مهدی (۱۳۸۹)، *بهبشت اخلاق*، چ ششم، اصفهان، مؤسسه ولیعصر.